

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی
www.haftegi.com

۷۵

۲۰ مهر ۱۳۸۰

۱۲ اکتبر ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

به مردم آزادیخواه
کردستان عراق

بساط جریانات اسلامی

را در هم بیچید

صفحه ۳

سخنرانی و گفت و شنود	صفحه ۴
سمینار مرکزی گادرها	صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

دنیا پس از ۱۱ سپتامبر ۳- افول اسلام سیاسی

منصور حکمت



و میلتراریسم آمریکا، را میشناسد و میخواهد به هر قیمت از فجایع بعدی اجتناب کند. در میان طیف وسیع نیروهایی که در مخالفت با این کشمکش پا به میدان گذشته اند، و از جمله در

صفحه ۲

که امیدی به یک آینده بهتر ندارد. در بهترین حالت تقاضای آرامش میکند. از بمب و جنگ و خشونت میگریزد. بشریتی که علیرغم ظاهر خام اندیش و خام شده و مطیع روزمره اش، ظرفیتهای ضد انسانی هیولاهایی که پا به میدان این جنگ گذاشته اند، اسلام سیاسی

بین المللی. "جنگ جدید آمریکا" و فاز جدیدی از یک خونریزی جهانی در مقیاسی که فقط آمریکا قادر به آن بوده و هست. شعارها و اعتراضات مردم شرافتمند جهان عمدتا معطوف به حفظ وضع موجود و رجعت به موازنه قبلی است. این بشریتی است

در بیرون دو قطب تخصص ارتجاعی امروز، میلتراریسم آمریکا و دولتهای غربی در یکسو و اردوی اسلام سیاسی و گروههای ترور اسلامی در سوی دیگر، فضای حاکم بر اکثریت انسان دوست و صلح دوست جهان یک فضای هراس و نگرانی است. فضای استیصال است. همه نگران و خیم تر شدن اوضاعند: بالا گرفتن مسابقه جنون و ترور. آوارگی و مرگ صدها هزار مردم بیگناه افغانستان، حملات شیمیایی و میکروبی در غرب، انفجار سیاسی در پاکستان، افتادن بمبهای اتمی "جیبی" و "لپ تاب" بدست ماجراجویان سیاسی و متعصبین دینی و تبهکاران

آوارگان افغانستانی قربانیان تروریسم اسلامی و میلیتاریسم آمریکا و ناتو

سازمان ملل در مقابل زندگی این آوارگان
مسئولیت فوری و مستقیم دارد

سیاستهای میلتراریستی و قلدر منشانه آمریکا و دولتهای غربی هستند. آینده ای هم که قرار است اینها برای مردم افغانستان سر هم بندی کنند، چیز بیشتری نصیب این مردم نخواهد کرد.

باید با تمام قوا به دفاع از حقوق پناهندگان و مهاجرین افغان برخاست.

پناهندگان افغانی پاسخ فوری میخواهند. این مردم به غذا، امنیت، گرما، دارو، لباس و غیره نیاز فوری دارند. سیاستهای ضدانسانی دول اروپا و آمریکا و کشورهای همجوار بویژه دولتهای ایران و پاکستان در حق پناهندگان افغانی محکوم است.

بستن مرزها به روی قربانیان و فراریان جنگ از جانب جمهوری اسلامی و دولت پاکستان یک اقدام ضدانسانی است.

سازمان ملل باید از جانب افکار عمومی پیشرو و مردم

صفحه ۳

دور دیگری از آوارگی دهها هزار نفره مردم افغانستان با اولتیماتوم آمریکا و موتهایش به دار و دسته طالبان شروع و با آغاز جنگ در روزهای اخیر گسترش یافت. بدون شک فرار با پاهای برهنه و شکمهای گرسنه از ۴ موشک کروز و بمب افکنهای سوپر مدرن ائتلاف تروریسم دولتی آمریکا و ناتو و مرتجعین طالبان به مراتب وسیعتر خواهد شد. این موج جدید آوارگی ادامه فرار و مهاجرت میلیونی مردم افغانستان در دو دهه اخیر است. مردمی که توسط اسلام سیاسی دست پرورده آمریکا و جنگ داخلی گروههای فالانژ سرکوب و قتل عام شدند، در ابعاد میلیونی گریختند، و هم اکنون بار دیگر قربانی جنگ تروریستهائی میشوند که دیگر آیشان به یک جوی نمیرود. مردم افغانستان در گذشته و امروز قربانیان جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی و

مبارزه با تروریسم: پرداخت پول در کنار باران بمب



آذر ماجدی

در حاشیه

کنفرانس حزب لیبر

رتوریک میلتراریستی علیه تروریسم و تروریست ها، کنفرانس به سبک خود بر حل دلایل وجودی تروریسم هم متمرکز شد. تعهد کرد

صفحه ۳

کنفرانس حزب لیبر انگلستان امسال بر ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن متمرکز بود. مبارزه با تروریسم "شاه بیت کنفرانس بود. علاوه بر تأیید کامل میلتراریسم دولت آمریکا و بریتانیا و دوز بالای از

مردم و جمهوری اسلامی بعد از ۱۱ سپتامبر



مصطفی صابر

ضد جمهوری اسلامی آن از چشم کسی پنهان نماند. چند روز بعد، اطلاعیه شداد و غلاظ نیروهای انتظامی و

صفحه ۴

حرکات میدان محسنی که سریعاً توسط نیروی پلیس و وزارت کشور دوم خردادی سرکوب و مهار شد، حرکتی بودند آشکارا در محکومیت جنایات ۱۱ سپتامبر، که جنبه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

دنیای پس از ۱۱ سپتامبر ۰۰۰

میان تنه گروه‌های چپ حاشیه ای در اروپا که تا ۱۰ سپتامبر به چیزی کمتر از "انقلاب جهانی" رضایت نمیدادند، آرامش طلبی، تلاش برای ترمز گذاشتن بر روندی که در جریان است، تلاش برای حفظ وضع موجود و برگرداندن تعادلی که پیش از ۱۱ سپتامبر وجود داشت، به سیاست حاکم تبدیل شده است. پاسیفیسیم خط حاکم بر جنبش مقاومت است. و این سیاستی فوق العاده زیانبار است که نه فقط مصائب و فجایع بعدی را مانع نمیشود، بلکه حتی وقوع آنها را تضمین میکند.

کوشش میکنند که حتی المقدور پای مساله فلسطین و اسرائیل به میان کشیده نشود. میگویند هر نوع مرتبط کردن مساله فلسطین به این حمله تروریستی به معنای اذعان به اینست که این عمل در جلب توجه غرب به وضع فلسطینیان موثر واقع شده است. در نتیجه بجای اسلام سیاسی و اسرائیل، ما را به بن لادن و افغانستان حواله میدهند. جنگ آمریکا با طالبان در افغانستان یک واقعه بسیار مهم با نتایج دیرپایی در سطح منطقه و جهان است. این جنگ قطعا بر سرنوشت اسلام سیاسی و حتی مساله فلسطین تاثیر میگذارد. اما ربطی به یافتن و مجازات عاملان ۱۱ سپتامبر ندارد و حتی احتمال اقدامات تروریستی علیه غرب را بسیار تشدید میکند. (به این بر میگردم)

تروریسم اسلامی یک واقعیت دوران ماست. این تروریسم یک رکن اصلی استراتژی اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی یک جنبش ارتجاعی در منطقه و اکنون در سطح جهانی است که از ظلم تاریخی اسرائیل و غرب علیه مردم عرب زبان و بطور مشخص علیه مردم فلسطین تغذیه میکند. بی کشوری مردم فلسطین و ستم دولت اسرائیل و متحدان غربی اش بر فلسطینیان یک منشاء اصلی انزجار از غرب و از آمریکا در خاورمیانه است. مهم تر از این، وجود مساله فلسطین و پشتیبانی همیشگی آمریکا و غرب از اسرائیل در برابر اعراب چه در دوران جنگ سرد و چه پس از آن، یک شکاف عظیم اقتصادی، فرهنگی و روانشناسانه میان غرب با مردم خاورمیانه ایجاد کرده است. اما اینکه اسلام سیاسی بعنوان یک جنبش امکان پیدا میکند از این نارضایتی و شکاف سرمایه بسازد و از حاشیه جوامع خاورمیانه به متن جدال بر سر قدرت سیاسی پا بگذارد، دیگر مستقیما محصول خود آمریکا و غرب است. اسلام سیاسی بعنوان جنبش تبهکارانه ای با این دامنه وسیع قدرت، مخلوق آمریکا و غرب است. این هیولا را خود اینها ساختند و بجان مردم منطقه و امروز سراسر جهان

سیاست پاسیفیستی، و خیره شدن به وجه نظامی و مسلحانه این تقابل و خشونت فیزیکی ای که میتواند بر سر جهان نازل شود، دقیقا این زبان را دارد که مردم را به یک فلج سیاسی دچار میکند. شرط جلوگیری از این مسابقه تروریستی و این موج انفجار و تخریب و کشتار جمعی که برایمان تدارک دیده اند دخالت توده وسیع مردم، هم در اروپا و آمریکا و هم در خاورمیانه و کشورهای به اصطلاح جهان سوم در روندهای سیاسی ای است که در پس این رویدادها قرار دارد. دخالتی بر مبنای یک دستور کار فعال و اثباتی. در چنین صورتی، افق آینده مجبور نیست تیره باشد. لازم است این روندها و واقعیات سیاسی را از زیر آوار تبلیغات جنگی بیرون بکشیم.

در پس تبلیغات رسمی: تروریسم و اسلام سیاسی

گمان نمیکنم هیچکس، حتی در خود ارتش آمریکا، این روایت را بپذیرد که جنایت ۱۱ سپتامبر کار گروهی فناتیک بود که از فردی بنام اسامه بن لادن در افغانستان خط میگیرند که دشمنی شخصی و کوری با آمریکا و "روش زندگی" آمریکایی و "دموکراسی" دارد. رسانه های غربی مصرند که این حرکت "کار مسلمانان" نبود، که از "تعالیم قرآن" برنخاسته بود. ژورنالیستهای کهنه کار

انداختند. اسلام سیاسی ابزار غرب در جنگ سرد علیه شوروی و ابزار در هم شکستن جنبشها و انقلابات چپ و کارگری در کل کشورهای منطقه بود. این ابزاری بود که پس از بن بست حکومتهای ناسیونالیستی در خاورمیانه برای جلوگیری از قدرتی چپ به میدان آوردند. مساله فلسطین و وجود حکومتهای اسلامی در خاورمیانه ارکان تروریسم اسلامی است. و هر سیاست فعال و پیشرو مردمی برای مقابله با تروریسم اسلامی باید از همینجا شروع کند:

۱) حل مساله فلسطین. باید این معضل تاریخی حل شود. مردم فلسطین باید کشور مستقل خود را داشته باشند. باید آمریکا و دولتهای غربی را ناگزیر کرد از حمایت یکجانبه خود از اسرائیل دست بردارند. باید اسرائیل را وادار کنند صلح و استقلال فلسطین را بپذیرد. حل مساله فلسطین مهم ترین رکن مقابله با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی است و جزء اصلی یک دستور کار پیشرو و فعال در قبال اوضاع کنونی است.

۲) غرب باید از حمایت ارتجاعی اش از دولتهای اسلامی و واپسگرا و از احزاب جنبش اسلامی در خاورمیانه دست بردارد. بدون حمایت غرب رژیم اسلامی ایران سرکار نیامد و سر کار نمیماند. بدون حمایت غرب نظامهای برده داری و شیوخ متفرقه در عربستان و امیرنشین های ریز و درشت سر کار نمیمانند. بدون حمایت غرب نه فقط طالبان، بلکه دستجات قبلی مجاهدین مسلمان، نمیتوانستند افغانستان را به صحنه یک تراژدی انسانی عظیم تبدیل کنند. همین امروز نیز در صورت قطع این حمایت سیاسی و نظامی و دیپلماتیک غرب از جنبش اسلامی، مردم منطقه بسرعت این حکومتها را بزیر میکشند. خواست سرنگونی حکومتهای اسلامی و جلوگیری از بند و بست آمریکا و دولتهای غربی با این حکومتها باید یک جزء مهم دیگر در پلاتفرم ضد تروریستی هر جنبش پیشرو مردمی باشد.

۳) محاصره اقتصادی عراق

باید خاتمه یابد. مشقات مردم عراق در اذهان مردم منطقه به یک مساله فلسطین دوم تبدیل شده است. سند زنده تروریسم آمریکایی و غربی در خاورمیانه. این محاصره اقتصادی بعلاوه بر عمر حکومت ارتجاعی عراق افزوده است و مردم محروم عراق را از صحنه مبارزه سیاسی به یک جنگ هر روزه برای بقای فیزیکی عقب رانده است. مبارزه برای لغو محاصره اقتصادی عراق یک رکن دیگر پلاتفرم پیشرو علیه تروریسم اسلامی است.

۴) باید فعالانه به دفاع از سکولاریسم در کشورهای مسلمان نشین و در محیطهای اجتماعی اسلامی و اسلام زده در خود کشورهای غربی برخاست. تفکر عقب مانده نسبت فرهنگی و کوتاهی در دفاع از حقوق مدنی و انسانی مردم و بویژه زنان در این کشورها و محیطها، دست اسلام سیاسی را برای ارعاب مردم و تحریک جوانان باز گذاشته است. باید جهاتشمولی حقوق بشر و حقوق مدنی انسانها اصل قرار بگیرد و هر نوع سازش با دین و حاکمیت ارتجاعی دین به زیان حقوق بشر محکوم شود.

تروریسم اسلامی یک واقعیت است. تروریسم کار مسلمانها نیست، اما سیاست رسمی یک جنبش اسلامی هست. این یک جنبش توخالی و ساخته دست غرب در متن جنگ سرد و در جدال آنتی کمونیستی با کارگران و آزادیخواهان خاورمیانه است. این جنبش سست و ضعیف است. نفوذ سیاسی و معنوی جدی ای در کشورهای بزرگتر در منطقه ندارد. از واقعیات اجتماعی غرب، اسلام سیاسی از سوسیالیسم و سکولاریسم در منطقه شکست میخورد. در ایران، که نظیر فلسطین، یکی از مهم ترین عرصه های تعیین تکلیف با اسلام سیاسی است، افول و سرنگونی اسلام سیاسی هم اکنون آغاز شده است.

در بخش بعد:

* جنگ آمریکا در منطقه، که اکنون از افغانستان شروع شده است، جنگی علیه تروریسم نیست، زیرا نه فقط به هیچیک

از ملزومات مبارزه با تروریسم اسلامی که فوقا شمردم پاسخ نمیدهد بلکه حتی بر بخشی از خود جریان اسلامی تکیه میکند. با اینحال بنظر من آمریکا وارد جدال با اسلام سیاسی شده است. این یک جنگ قدرت است. این کشمکش منطقا به تضعیف اسلام سیاسی منجر میشود. اما هدف غرب حذف اسلام سیاسی نیست، بلکه تضعیف آن، مطیع کردن آن و ایجاد یک تجدید آرایش در صفوف آن برای ساختن یک نقطه تعادل جدید است. جنگ در افغانستان بر سر تجدید تعریف رابطه غرب با اسلام سیاسی است. ما باید این چهارچوب و این سازش جدید را بشکنیم و سیاست مستقل خود را برای خلاصی منطقه از این نیروی ارتجاعی را در این شرایط جدید فعالانه تر دنبال کنیم.

* موضع پاسیفیستی، این کشمکش جدید میان غرب با اسلام سیاسی را نمیبیند، اهمیت آن را چه برای مردمی که قربانی این جنبش ارتجاعی بوده اند و چه در سیر تحولات سیاسی آتی جهان برسمیت نمیشناسد و خود را نسبت به آن بی وظیفه میداند. باید نقد این موضع آرامش طلبانه و محافظه کارانه را بدون جنبش مقاومت مردمی علیه ترور و میلیتاریسم برد. * بدلیل ابعاد و جوانب جهانی و تاریخی این کشمکش، مشخصات ایدئولوژیکی و روحی مردم جهان امروز بویژه در غرب بسیار با دوران حمله به یوگسلاوی متفاوت است. با روی آوری وسیعتر مردم به سیاست و مبارزه مدنی، میلیتاریسم آمریکا از این کشمکش از نظر سیاسی ضعیف تر بیرون خواهد آمد. کشمکش جاری، که خود بر سر گوشه هایی از نظم نوین جهانی پس از سقوط شوروی است، میتواند در صورت دخالت عنصر پیشرو، کل این مبحث و نفس مساله ابرقدرتی و قلدری نظامی آمریکا را در سطح اجتماعی به نقد بکشد. و این از نقطه نظر امر آزادی و برابری در یک مقیاس جهانی مبحثی به مراتب مهم تر از سرنوشت اسلام سیاسی است.

(ادامه دارد) ■

به مردم آزادخواه کردستان عراق بساط جریانات اسلامی

را در هم پیچید



اصغر گرمی

حاکم، بر زندگی شما، بر زندگی زنان و جوانان و کودکان تحمیل شده است، به معنی کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از کردستان عراق نیز هست. اعتراضات شما بخشی از جبهه وسیعتری است که در ایران و سایر کشورهای اسلام زده علیه است. اعتراضات شما گوشه ای از قدرت جنبش آزادیخواهان و سکولاریستی شما است که میتواند مقدمه جنبشی بسیار قدرتمند در جهت تحقق یک جامعه سکولار و آزاد، و کوتاه کردن دست مذهب و جریانات اسلامی از زندگی مردم، نه تنها در حلیجه بلکه در سراسر کردستان عراق باشد.

سالها است جریانات اسلامی در کردستان عراق با اتکا به جمهوری اسلامی و مماشات احزاب حاکم پر کردستان، مشغول فتوا دادن، آدم کشتن، زن ستیزی و زن کشی، آتش زدن و منفجر کردن کتابفروشی ها و آرایشگاه ها، ترور اعضای جریانات اپوزیسیون جمهوری اسلامی و تحمیل قوانین متعفن اسلامی بر زندگی شما بوده اند. اعتراضات گسترده شما در روزهای اخیر نه تنها بیانگر نفرت و انزجار شما از این جریانات که در عین حال نشانه هوشیاری شما در بهره جستن از فضای کنونی است که امکان تعیین تکلیف نهائی با جریانات اسلامی را برای جامعه کردستان ایجاد کرده است.

مبارزه شما برای رها کردن کردستان عراق از شر جریانات اسلامی، در عین حال مبارزه ای است علیه جمهوری اسلامی و باندهای آن. در هم شکستن جریانات اسلامی و جلوگیری از بازگشت مجدد آنها به حلیجه، و فشار برای الغای همه قوانین کثیف اسلامی که توسط احزاب

حزب کمونیست کارگری ایران به خانواده ها و دوستان قریبانبان جنایت هولناک جانوران اسلامی در حلیجه صمیمانه تسلیت میگوید و خود را عمیقا در غم و اندوه آنان شریک میدانند. حزب کمونیست کارگری، مبارزه شما برای برچیدن بساط جریانات اسلامی در کردستان عراق را ارج مینهد و قاطعانه از مبارزه آزادیخواهان شما حمایت میکند.

پیروز باد مبارزه مردم آزادیخواه و سکولار کردستان عراق

اصغر گرمی

رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۹ اکتبر ۲۰۰۱

از صفحه ۱

مبارزه با تروریسم: ...

که با فقر در جنوب، که بنظرش عامل رشد تروریسم است، مبارزه کند و بهمین منظور، "کلر شورت"، وزیر توسعه بین المللی، قول داد که دولت لیبر میزان کمکهای مالی بریتانیا به این کشورها را افزایش خواهد داد. تلاش برای رفع دلایل وجودی تروریسم، بویژه در این فضایی که میلیتاریسم بر آن حاکم است، امری است مثبت. ولی مساله اینجاست که کنفرانس و رهبران حزب لیبر یا مساله را نفهمیده اند، و یا طبق روال همیشگیشان مشغول عوامفریبی هستند. مساله را بگونه ای دیگر جلوه میدهند تا با اتخاذ راه حلی ساده و بی دردسر این تصور را القا کنند که پاسخ یک مساله مهم و مبرم جهانی را پیدا کرده و مشغول حل آن شده اند.

سیاست یا اقتصاد، حلقه اصلی کدامست؟

جوابگویی به مساله تروریسم و رفع دلایل وجودی آن در وهله اول سیاسی است. این تصور که فقر و فقط فقر باعث رشد و اشاعه تروریسم است، در بهترین حالت خام خیالی و ساده انگارانه است.

و تازه اگر هم فقر دلیل اصلی رشد تروریسم باشد، باز جواب آن در وهله اول سیاسی است: رهایی از دولتها و نظام های سرکوبگر و فاسد سرمایه دارانه در منطقه پاسخگوی فقر است و نه پرداخت چند میلیون پوند به دولتهای فاسد و دیکتاتور حاکم بر این کشورها. مساله را باز کنیم.

تروریسم کور و عنان گسیخته ای که توسط جریانات اسلامی بر منطقه حاکم شده و فجایع بیشماری در ایران، افغانستان، الجزایر، سودان، پاکستان و اسرائیل آفریده و امنیت غرب را هم به خطر انداخته است، تروریسمی که فاجعه ۱۱ سپتامبر در آمریکا را آفرید محصول جنبش اسلام سیاسی است. تروریسم روش مبارزه سیاسی این جریان در مبارزه برای قدرت است. یک مساله کلیدی در مقابله با جنبش اسلام سیاسی مساله فلسطین است. بی عدالتی و ظلمی که بمدت چند دهه بر مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل و با کمک بیدریغ غرب، به سرکردگی آمریکا روا شده نه تنها باعث بی ثباتی منطقه گردیده، بلکه بدنبال شکست

راس آن آمریکا این جنبش سیاه و جنایتکار را بر مردم منطقه نازل کردند تا مانع رشد چپ و کمونیسم شوند. این جنبش در حلاء کامل صهیونیسمی و ایدئولوژیک در منطقه رشد کرده و نیرو گرفته است.

برای مقابله با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی باید به مسائل فوق پاسخ گفت. باید به مبارزه مردم منطقه علیه جریانات اسلامی و دولتهای اسلامی کمک رساند، باید حقوق مدنی و آزادیهای مردم و خواست برابری زن و مرد را محترم شمرد، باید به مبارزات سکولاریستی و آزادیخواهان مردم علیه دیکتاتوری های حاکم که یا رسما مذهبی اند و یا مذهب یکی از ارکان اصلی حاکمیتشان است کمک رساند. مبارزه برای بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه عمومی مردم نیز از همین کانال میتواند جواب بگیرد.

دولت های غربی اگر دست از حمایت این دولتهای مستبد و جریانات فاشیستی - اسلامی در منطقه بردارند، و همچنین اگر بجای حمایت یکجانبه از دولت اسرائیل، آنرا برای حل مساله فلسطین تحت فشار بگذارند، مردم منطقه خود با مبارزاتشان اسلام سیاسی را به یک جریان حاشیه ای تبدیل خواهند کرد. افزایش کمک مالی به دولتهای سرکوبگر فاسد راه حل مبارزه با تروریسم نیست.

از صفحه ۱

آوارگان افغانستانی ...

آزادیخواه در سطح بین المللی، برای حمایت همه جانبه از آوارگان افغانی تحت فشار قرار داده شود.

حق پناهندگی مردم افغانستان باید در کشورهای همجوار و در سطح بین المللی برسمیت شناخته شود. دستکم همان کاری که در قبال پناهندگان یوگسلاو صورت گرفت باید فوراً برای پناهجویان و آوارگان افغان صورت گیرد.

همینطور سیاست ارتجاعی و قوم پرستانه بازگرداندن مهاجرین افغانستانی مقیم ایران باید فوراً متوقف شود. مردم آزادیخواه ایران باید هرگونه حمله رژیم اسلامی به مهاجرین و پناهجویان افغان را قاطعانه پاسخ دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ مهر ۱۳۸۰

از صفحه ۱ مردم و جمهوری اسلامی ۰۰۰

هدشار بدهند. "حقیقت جو"، پس از شرفیابی حضور رهبر (که ایشان علیه "فمینیسم و جنس ستیزی" سخن گفته بود) گفت: "اگر جامعه و اراده سیاسی مسئولان اجازه پاسخگویی به مطالبات زنان را ندهند، به زودی جنبش زنان در جامعه متولد میشود. ما این هدشار را میدهیم که چه بسا این جنبش فمینیستی، افراطی و خارج از چهارچوب اندیشه های دینی باشد." اما یک "جنبش افراطی و خارج از اندیشه های مذهبی" زنان ایران درست چند هفته بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی با تظاهرات زنان علیه حجاب "متولد شد" و تا همین جمعه قبل که دختران حجاب از سر گرفتند، به اشکال مختلف ادامه داشته و دارد. فشار این جنبش چنان عرصه را بر آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی تنگ کرده که حالا حتی خواهر زینب های "اصلاح طلب" که جرئت نگاه مستقیم در چشمان برادران دوم خردشان را هم ندارند، رک و راست در مقابل حرفهای رهبر هدشار میدهند که "فمینیسم" یک خطر جدی است.

بالاخره، خانه کارگر اخیرا اعلامیه پشت اعلامیه میدهد که "حق اعتصاب حق کارگران است". هر کسی در ایران کم و بیش میداند که تعداد اعتصابات که محبوب و باند خانه کارگرش با شعار حزب فقط حزب الله و مرگ بر آمریکا سرکوب کرده اند، تعداد کارگران کمونیست و فعالینی که همین ها لو داده و اخراج کرده و در لیست سیاه قرار داده اند بیشتر است. حالا همین شخص و سازمانش (آتهم در شرایطی که آمریکا به برادران دینی اینها در همسایگی حمله برده) برای حق اعتصاب یقه جر میدهند و لی نفس هیاهوی استعفای حضرات نه فقط نشانه دیگری بر بهم ریختگی بالای جمهوری اسلامی، بلکه انعکاسی از این حقیقت است که در کردستان نیز زمین زیر پای کل جمهوری اسلامی و دنباله هایش بسیار داغ شده است. فراکسیون زنان مجلس نیز این روزها پیش رهبر و رفسنجانی رفتند تا بسهم خود

حمله به "کافی شاپ" های شمال تهران و اعلام احکامی نظیر "ممنوعیت سیگار کشیدن دختران در ملاء عام" و غیره، نشان میداد که رژیم دارد به پیشگیری و علاج قبل از واقعه دست میزند. نیروهای امنیتی رژیم (که بعد گفتند اطلاعیه مذکور "جعلی" بوده است!) چیزی را بو کشیده بودند. چند اعتراض کارگری در شهرهای مختلف این فضای پر تنش را تأیید میکرد. تظاهرات ده هزار کارگر نساجی اصفهان علیه بیکارسازی در پنجشنبه هفته گذشته که علیرغم تلاشهای خانه کارگر و شوراهای اسلامی به یک رویارویی وسیع کارگران و مردمی که به آنها پیوسته بودند با نیروهای پلیس انجامید، تردیدی نگذاشت که روحیه عمومی جامعه تعرضی است. پیروزی تیم فوتبال ایران در روز بعد، جمعه، بهانه ای شد تا خشم و اعتراض عمومی علیه جمهوری اسلامی در تهران و شهرهای دیگر فوران کند. جوانان به رقص و شادی پرداختند، حجاب از سر گرفتند، علیه رژیم شعار دادند. (طبق گزارشات رسمی فقط در دو مورد تهران به ترتیب ۱۱۰ و ۷۰ نفر دستگیر شدند. گزارشات دیگری از مردم در اثر تیراندازی پلیس بود.) وقایع جمعه قبل تأکید کرد که حرکات میدان محسنی رفتارهایی اتفاقی و محدودی نبودند.

پس از ۱۱ سپتامبر توازن قوا به نفع مردم و به زیان جمهوری اسلامی در حال تغییر است. شواهد دیگری اینرا تأیید میکند، از جمله شکاف بین دو جریان اصلی دوم خرداد، یعنی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت. اینکه مجاهدین انقلاب اسلامی از "فرصت ایجاد شده برای نزدیکی با آمریکا" استقبال نکرد و در مخالفت با برادران جبهه مشارکت اعلام کرد که اتفاقا فضا فعلا برای مذاکره با آمریکا مناسب نیست، علاوه بر همه محاسبات ریز و درشت، اساسا از این

سمینار مرکزی کادرهای حزب در خارج کشور

برای ایجاد ارتباط نزدیک و فشرده رهبری با کادرهای حزب، تشریح اولویت ها، سیاستها و مباحث سبک کاری در عرصه های مختلف فعالیت حزب و بحث حول آنها، از این پس هر دو ماه یکبار سمینار مرکزی کادرهای حزب در خارج کشور برگزار میشود. به اطلاع میرسانیم که اولین سمینار در روزهای ۲۰ و ۲۱ اکتبر ۲۰۰۱ برگزار خواهد شد.

دستور اولین سمینار مرکزی کادرها بشرح زیر خواهد بود:

- ۱- بحث حول سبک کار حزب در خارج کشور
- ۲- واقعه ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن
- ۳- گفت و شنود با رهبری حزب

کادرهایی که مایل به شرکت در کنفرانس هستند میتوانند با دفتر مرکزی حزب جهت ثبت نام تماس بگیرند. همه کادرهای حزب را به شرکت فعال در این سمینارها فرامیخوانیم.

تلفن تماس: ۶۵ ۷۴ ۵۱ ۵۰ ۷۹ (۰۰۴۴)
آدرس ای میل: markazi@ukonline.co.uk

هیئت دائم دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

سخنرانی و گفت و شنود:

صف آرائی
دو اردوی بین المللی تروریسم

کلن - شنبه ۱۳ اکتبر: شروع جلسه ساعت ۱۵

فاتح شیخ الاسلامی

تلفن تماس: ۱۷۳۳۵۸۶۱۶۴

Koeln, Kalk, Kapellenstr. 9a

برمن - یکشنبه ۱۴ اکتبر: شروع جلسه ساعت ۱۲

فاتح شیخ الاسلامی - مینا احدی

تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۰۵۰۵۸۴

Bremen, Konsul- Hackfeldhaus,
Birkenstr. 34

سر جمهوری اسلامی خراب خواهد کرد و وارد فاز تشکل های علنی و واقعی کارگری خواهد شد. جامعه ایران با ۲۲ سال حاکمیت اوضاع پس از ۱۱ سپتامبر اسلام، جنایت، بی حقوقی، تعارض و مبارزه بین مردم و جمهوری را حادث کرده است. سر جمهوری را حادتر کرده است.

سر جمهوری اسلامی خراب خواهد کرد و وارد فاز تشکل های علنی و واقعی کارگری خواهد شد. جامعه ایران با ۲۲ سال حاکمیت اوضاع پس از ۱۱ سپتامبر اسلام، جنایت، بی حقوقی، تعارض و مبارزه بین مردم و جمهوری را حادث کرده است.

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England